

تحلیل چستی مفهوم قرآنی شاکله در پرتو نسبت آن با انسان و افعال او

فهیمة ساجدی مهر^۱ - حوران اکبرزاده^۲

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل مفهومی شاکله به مثابه امری واسطه‌ای میان انسان و کنش او می‌پردازد. واژه «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء مطرح شده است. درباره چستی شاکله و شاکله‌مندی رفتار در طول تاریخ تفسیر، فرضیات متفاوتی بیان شده است. برخی از مفسران شاکله را جوهر و ذاتی انسان، برخی اکتسابی و جوهری انسان و برخی باتردید به صورت فصلی بین این دو دانسته‌اند. تبیین مفهوم شاکله‌مندی رفتار و تأثیر آن در نظام‌های تربیتی و اخلاقی بسیار ضروری است. در این تحقیق، آیه همچون نموداری خطی فرض شده و جایگاه شاکله با کلمات قبل و بعد خود در این نمودار بررسی می‌شود. از طریق تحلیل پیوند شاکله با انسان و رفتار انسان، به مفهوم جامع و جدیدی می‌توان دست یافت. شاکله‌هرانسائی برآیندی از جوهر انسان و ملکاتی که جوهری او هستند و مجموع دارایی‌های اکتسابی اوست که رفتار را شکل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: شاکله، کنش انسان، هویت واسطه‌ای، هیئت‌های اکتسابی، هیئت‌های

طبیعی.

۱. دانش آموخته مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول). f.sajedimehr@yahoo.com

۲. استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. hooranakbarzadeh@yahoo.com

بیان مسئله

مفهوم قرآنی «شاکله» در آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء / ۸۴) آمده است. این آیه از آیات مصدر به «قُل» است. تصدیق به «قُل» کارکردهای گوناگونی در قرآن دارد (بنگرید به: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳: شماره ۴). می‌گویند: «قُل» در این آیه پاسخ به اعتراض مسلمانان است در گوناگونی بهره‌مندی از قرآن که برای مؤمنان شفا و برای ظالمان خسارت است. آنان معتقد بودند که اگر برای هردو گروه، شفا و رحمت باشد با غرض رسالت هماهنگ‌تر و نفع آن برای دعوت پیامبر ﷺ بیشتر است. پس به پیامبر ﷺ دستور داده شد که در این مورد به آن‌ها پاسخ دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۱۳). بر مبنای تحلیل سیوطی از کاربرد قرآنی «قُل» (سیوطی، ۱۳۹۴: ۱۱۵/۳)، می‌توان مصدر شدن این آیه به «قُل» را اشرفیت و اهمیت مطلب شاکله‌مندی رفتار دانست. درنگ در آیه مورد اشاره که آن را در این نوشتار «آیه شاکله» می‌خوانیم، مسائل فراوان پژوهشی را به میان می‌آورد (بنگرید به: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳: شماره ۱). تحلیل مفهوم شاکله مسئله مهم و مؤثر در دیگر مسائل است. تفسیر شاکله‌مندی رفتار و شناخت ابعاد تأثیر شاکله‌مند دانستن رفتار در نظام‌های اخلاقی و تربیتی، نیازمند شناخت مفهوم قرآنی شاکله و مؤلفه‌های آن است. آرای گوناگون و در مواردی متخالف در تفسیر مفهوم شاکله در میراث تفسیری وجود دارد. این گوناگونی حیرت‌انگیز و ابهام‌آور است. شاید به همین سبب نحاس گفته است این آیه از مشکل‌ترین آیات این سوره است (نحاس، ۱۴۲۳: ۲/۲۸۲). یکی از عوامل ابهام، در آمیختن سه مسئله شرح اللفظ، شرح الاسم و بیان مصداق است.

تحلیل مفهومی شاکله از طرفی با معنای واژه و کاربرد زبانی آن و از طرف دیگر با کاربرد قرآنی آن مرتبط است. برخی از مفسران با قول به مجاز و استعاره بودن تعبیر شاکله، پیوند مفهومی شاکله با آیه را کنار می‌نهند. شریف رضی در تفسیر تلخیص البیان استعمال واژه شاکله را استعاره تشبیهی از «راه» می‌داند. دنیا به راه عظیمی تشبیه شده است و عادت‌ها و طبایعی که انسان بر آن‌ها خلق شده تشبیه شده است به راه‌های منشعب

شده از آن راه عظیمی که خود تکیه‌گاه است و برگشت به سمت آن است (شریف رضی، ۱۴۰۶: ۲۰۴). اسماعیل بن احمد قونوی می‌گوید: اصل شاکله به معنای مشابهت در شکل و هیئت است، ولی در این آیه مجازاً به معنای تشابه معنوی است (قونوی، ۱۴۲۲: ۵۷۷/۱۱). ثعلبی نیز معتقد است این آیه مجاز است. وی می‌گوید: عرب به مسیравصلی که راه‌های فرعی از آن منشعب شود، می‌گویند: «طریق ذو شواکل» و آیه مجاز از این معناست، همان‌طور که در دیگر مثل‌ها بیان شده است که هرکس عملش شبیه عمل فرد دیگری باشد از خانواده اوست (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۲۹/۶). همچنین قول به استعمال لازم در معنای ملزوم (نهانندی، ۱۳۸۶: ۸۲/۴) معنای مفهوم واژه را اخذ نمی‌کند.

فهم شاکله در کاربرد قرآنی آن بر حسب اقتضای آیه ۸۴ سوره اسراء، در پرتو دو نسبت میسور است: نسبت شاکله با فرد و نسبت شاکله با رفتار. درنگ در این دو نسبت، هویت واسطه‌ای شاکله را آشکار می‌کند و آن را از محمول یک موضعی به محمول سه موضعی فراتر می‌برد. مسئله تحقیق حاضر تحلیل مفهومی شاکله و بیان مؤلفه‌های مفهومی آن در پرتو این دو نسبت است. بنابراین پژوهش در تحلیل مفهومی شاکله مسبق به پاسخ به سه پرسش است: اطلاق واژه شاکله در آیه حقیقی است یا مجاز و استعاره، پیوند شاکله با فرد (و نه حقیقت نوعی انسان) و پیوند شاکله با رفتار او.

فرضیه تحقیق. مفهوم قرآنی شاکله سطح بالاتر از رفتار و شکل‌دهنده به رفتار و از طرف دیگر برآیندی از حقیقت انسانی فرد و هیئت‌های عارض بر آن، اعم از هیئت‌های عارض اکتسابی و هیئت‌های طبیعی، ژنتیکی و محیطی شکل‌دهنده به هویت فرد است. توضیح فرضیه این است که این برآیند از طرفی ترکیبی از عناصر اکتسابی، محیطی و ذاتی است. از طرف دیگر به حصول امری می‌انجامد که تنها مایملک انسان نیست، بلکه به عنوان امری جوهری و هویت‌بخش فرد، رفتار او را شکل می‌دهد.

روش تحقیق. پژوهش حاضر با دورویکرد تحلیلی و تطبیقی انجام می‌شود. ابتدا دیدگاه‌های گوناگون در تفسیر مفهوم قرآنی شاکله با بررسی مقایسه‌ای طبقه‌بندی و سپس با روش تحلیل مفهومی به جستجوی مؤلفه‌های شاکله پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق. تحلیل مفهوم قرآنی شاکله دوگونه پیشینه دارد: یک، میراث معرفتی پیشینیان که بیشتر در میراث تفسیری است، اما در میراث روایی، فلسفی و عرفانی (نمونه را بنگرید به: ملاصدرا، ۱۳۶۰: بخش ۴، ص ۴۱ و ۲۸۸) نیز قابل رصد است. دو، پژوهش های معاصر. مقاله «نقش مواجهه مسئله محور با آیه شاکله؛ رویکرد روش شناختی» (فرامرزقراملکی، ۱۳۹۳: شماره ۱)، نقطه عطفی در پژوهش های جدید شاکله است. هرچند قبل از آن دو مقاله دیگر نوشته شده است؛ اما این مقاله که برگرفته از درس گفتارهای نویسنده در تفسیر آیه شاکله بوده است راه را برای مواجهه عمیق تر با این آیه باز کرده و انگیزه شده است که عده فراوانی به این مطلب پردازند و مهم ترین مقالات پس از این مقاله به نگارش درآمده است و این به وضوح اهمیت رویکرد مسئله محور را نشان می دهد. تاکنون غیر از دو کتاب، پانزده مقاله علمی - پژوهشی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ درباره «شاکله» منتشر شده است. این پژوهش ها با طبقه بندی گزارش می شود:

یک، برخی از پژوهش ها درصدد تلفیق و ترکیب آرای مختلف در میراث تفسیری اند (بنگرید به: قبادی، ۱۳۹۷: شماره ۴۰؛ ایزدی، ۱۳۹۷: شماره ۳۹؛ رجایی، ۱۳۹۹: شماره ۱۸؛ علی نژاد عمران، ۱۳۹۹: شماره ۴۳).

دو، برخی از تحقیقات حصرگرایانه دیدگاهی تفسیری را برگرفته اند (بنگرید به: واعظ جوادی آملی، ۱۳۸۴: شماره ۱؛ حاج علی لالانی، ۱۳۹۱: شماره ۲۸؛ سلمان ماهینی و فرامرزقراملکی؛ ۱۳۹۴: شماره ۴؛ اخوت، ۱۳۹۴؛ ایزدی، ۱۳۹۵: شماره ۴۴؛ سمنون، ۱۳۹۶: شماره ۵۱).

سه، حکمت، نصرالله (۱۳۹۹) با تحلیل شاکله می کوشد دانش شاکله شناسی را در فهم انسان به جای روان شناسی معرفی کند.

چهار، عده ای به گزارش نه چندان کامل و دسته بندی آرای مفسران بسنده می کنند (احسانی، ۱۳۹۸: ج ۲۶).

پنج، برخی از پژوهش ها با رویکرد معناشناسی تاریخی و تطبیق آرای مطرح شده با مفهومی عام به تحلیل مفهوم شاکله می پردازند (بنگرید به: حسینی و همکاران، ۱۳۹۹:

شماره ۱۷).

شش، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای نیز در تحلیل شاکله وجود دارند (حجازی، ۱۳۹۱: شماره ۱۸؛ درزی، ۱۳۹۶: شماره ۲؛ درزی، ۱۳۹۸: شماره ۱۰۲). حاصل اغلب این تحقیقات، بیان معنا و شرح اللفظ شاکله و نه تحلیل مؤلفه‌های مفهومی آن به مثابه سطح فراتر از رفتار و شکل دهنده رفتار و هویت بخش فرد است. مقاله حاضر در مقام رفع این رخنه پژوهشی است.

معنای لغوی شاکله و اهمیت آن در تحلیل مفهومی

یک، رویکرد لغت‌شناسی. واژه «شاکله» اسم مؤنث بوزن فاعل از ریشه «شکل» (مثل و شبیه) و یا «شکل» (هیئت و فرم) (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۷۳) و جمع آن «أشکال» و «شُکُول» است. اغلب لغت‌شناسان شاکله را از ریشه «شکل» به معنای شبیه دانستند. وقتی گفته می‌شود: «هذا أشکل بكذا»، یعنی شبیه آن است (فراهیدی، بی تا: ۵/۲۹۵). ابن فارس «شکل» را به همین معنا، اما به کسر شین ذکر می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۲۰۴). دیگر لغت‌شناسان نیز اصل معنای «شکل» را به همان معنای العین آورده‌اند و متعلق این شباهت را در شاکله مواردی چون «جدلیته»، «طریقه» و «جهته» (جوهری، ۱۴۰۴: ۵/۱۷۳۶)؛ «الناحیه»، «النیة»، «الطریقه»، «المذهب» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۰۱) و یا «ناحیه» و «طریقه» (طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۴۰۲) بیان کرده‌اند. برخی از لغت‌شناسان به تفاوت معنای «شکل» با نظایرش توجه کرده‌اند. راغب اصفهانی می‌گوید: «شکل» مشابهت در هیئت و صورت است. «ند»، مشابهت در جنسیت و «شبه» مشابهت در کیفیت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۲). ابوهلال عسکری در تفاوت بین «شکل» و «مثل»، «شکل» را مشابهت در هیئت و صورت ظاهری دانسته است (عسکری، ۱۹۸۰: ۱۴۸). از این ریشه «مشاکله» و «شکال» به معنای بستن دابه نیز کاربرد دارد. راغب اصفهانی معنای «شاکله» را با توجه به این کاربرد لحاظ می‌کند و آن را به معنای سجیه و خلق و خویی که انسان را مقید کرده، دانسته است. او می‌گوید: هر انسانی بر نهاد و

سرشتی که او را مقید کرده عمل می‌کند؛ زیرا که قدرت طینت و سرشت بر انسان غالب است؛ چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «کَلَّ مِيسِرَ لِمَا خَلَقَ لَهُ»؛ هرکسی بر نهاد و فطرتی که برایش خلق شده، رام و نرم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۲). مصطفوی معنای مشترک در ماده «شکل» را صورت و هیئت هر چیزی با توجه به خصوصیات آن دانسته، می‌گوید این معنا در همه جا بر حسب اینکه آن چیز، مادی باشد یا معنوی تطبیق می‌یابد؛ مثلاً خرما یا میوه‌های دیگر زمانی شکل می‌گیرند که به کمال خود برسند، یعنی خصوصیات تصویر آن نمایان شود و رنگ و لطافت و چیزهای دیگر در آن مشخص گردد. شکال حیوانات هم به مناسبت بروز شکل مخصوصی است که بر آن‌ها عارض شده است. شاکله نیز به معنای هیئت کلی انسان است که ویژگی‌های ظاهری او یا طبیعت درونی و باطنی‌اش را شامل می‌شود و ایجاد شکلی خاص در ظاهر او را طلب می‌کند. شکل صوری، اثر صفات و طبع باطنی است. اعمال ظاهری ما خروجی باطن ماست (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۶ / ۱۰۷).

دو، رویکرد معناشناسی تاریخی. بر اساس مطالعه قابل نقدی شاکله در زبان باستانی آفروآسیایی (ل) در واژه «شکل» یک برساز از نوع پس‌ساز است که به انتهای ریشه دوحرفی «شک» اضافه شده است. با توجه به بحث‌های «ویلیام گرای» درباره برسازهای مختلف از جمله «ل» در زبان‌های سامی می‌توان گفت: «ل» یک همخوان است که به یک ریشه دوحرفی اضافه شده؛ بدین معنا که این ماده از واژه ثنایی «sak» ساخته شده که یکی از معانی آن «جوان کندذهن» است. این معنا با ادراک و فهم ذهنی مرتبط است. در ریشه اکدی «شکل» مفاهیم مربوط به قلمرو ذهن نیز راه یافته است؛ به عنوان نمونه واژه «saklum» به معنای «شخص ساده و نادان»؛ «saklu» به معنای «نادان» و «sakkukum» به معنای «معلول ذهنی» و «sakkukutu» به مفهوم «کری و نادانی» است. در انتقال بحث به شاخه کنعانی باید از «𐤑𐤗𐤋» به معنای محتاط و زیرک بودن و در زبان عبری چلیپاوار درازکشیدن به شکل ضربدر که حاکی از حالت مستی و بی‌خردی است، یاد کرد. از این ماده واژگان «𐤑𐤗𐤋» به معنای «فهمیدن و آموزش» و «𐤑𐤗𐤋» به مفهوم «نگاه کردن و

توجه کردن» آمده و صورت‌های «لاذلا» به معنای «فهم و هوش» و «لاذلا» به مفهوم «شعر متفکرانه و عمیق / آواز هنری» است. به دلیل تنوع معنایی این ماده گزنیوس به دشوار بودن طبقه‌بندی معانی آن اذعان کرده است. در شاخه آرامی نیز در فرهنگ جاسترو، دو معنا برای این ریشه آمده است: (۱) روشن و درخشان بودن، نگاه کردن به، نگه داشتن در ذهن، منعکس کردن؛ (۲) مغشوش بودن، احمق بودن.

هرچند لغت‌شناسان مفهوم «شباهت» را به عنوان معنای محوری برگزیده‌اند، اما با توجه به اینکه به کارگیری مفاهیم حوزه ذهن از زبان آفروآسیاتیک تا اکدی، عبری، آرامی و سریانی سیر و روندی پیوسته داشته؛ یعنی در همه آن‌ها ذکر شده و سپس به عربی هم راه یافته است؛ پس دست‌کم می‌تواند یکی از مفاهیم محوری در این ریشه به شمار آید (حسینی، ۱۳۹۹: شماره ۱۷).

دیدگاه‌های مفسران در تحلیل شاکله

آیه شاکله، از جمله آیات بحث برانگیز و پرچالش در تاریخ تفسیر بوده و آراء و نظریات مفسران در طول تاریخ تفسیر ذیل این آیه بسیار متنوع و فراوان است. با تتبع در تفاسیر می‌توان کل آرای تفسیری را در چند گروه تقسیم‌بندی کرد:

- شاکله امری ذاتی و غیراکتسابی است که با آن آفریده می‌شویم (اعم از بالقوه و بالفعل)

• خلقت و طبیعت^۱ (ابن قتیبه، ۱۴۱۱: ۲۲۱)؛ «طبعه الذی جبل علیه» (طبرانی، ۲۰۰۸:

۱۳۲/۴؛ بغوی از قول قتیبی شاگرد فضل بن شاذان «جبله» را آورده است، ۱۴۲۰:

۱۵۹/۳).

• جوهر نفس: «جوهر روحه» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۶۵/۳).

• فطرت (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۳۸۳/۳؛ روزبهان بقلی، ۲۰۰۸: ۳۸۱/۲؛ قشیری^۲، ۲۰۰۰:

۳۶۶/۲).

۱. «خلیقه، طبیعت، جبلته».

۲. «کل یتشرح بمودع باطنه».

- مستقلاً و از پیش خود: «علی حدته» (مجاهد، ۱۴۱۰: ۴۴۱).
- شاکله حالت‌ها و هیئت‌هایی است که کسب می‌نماییم (امور اکتسابی).
- آنچه که جوهر فرد را شکل می‌دهد و روحش آن را اقتضا می‌کند^۱ (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۱/۲۱).
- احوال تابع مزاج (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۶۵/۳).
- خلق و خو^۲ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳۹/۱۳؛ ماوردی، بی‌تا: ۲۶۹/۳؛ نهایندی، ۱۳۸۶: ۸۲/۴؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۳۸۷/۱؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱: ۳۸۹/۱).
- راه، روش^۳ (ابن عباس، ۱۴۱۲: ۳۰۵؛ ضحاک، ۱۴۱۹: ۵۳۶/۱؛ تیمی، ۱۴۲۵: ۱۵۹/۱؛ فراء، ۱۹۸۰: ۱۳۰/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۴/۱۵؛ نحاس، ۱۴۲۱: ۲۸۲/۲؛ طوسی، بی‌تا: ۵۱۴/۶؛ سمرقندی، از قول سائب کلبی، ۱۴۱۶: ۳۲۶/۲؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۴۷/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۱۴؛ هواری، ۱۴۲۶: ۴۳۳/۲؛ شریف رضی، ۱۴۰۶: ۲۰۴؛ قونوی، ۱۴۲۲: ۵۷۷/۱۱؛ ابو عبیده، ۱۳۸۱: ۳۸۹/۱).
- مذهب و دین^۴ (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۰۳/۷؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۶۴۶/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۹۰/۲).
- نیت (یزیدی، ۱۴۰۵: ۲۲۰؛ مرویات احمد بن حنبل، ۱۴۱۴: ۸۸/۳؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲۶/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۱۵/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۱۳/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۵۸۱/۳؛ هواری، ۱۴۲۶: ج ۲ / ۴۳۳؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۲۱۴/۳).
- عادت^۵ (ماوردی، بی‌تا: ۲۶۹/۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۰: ۲۰/۲؛ سبزواری، ۱۴۱۹: ۲۹۵؛ همو، ۱۴۰۶: ۳۱۱/۴). ابن عاشور بر پایه ارتباط شاکله با شیوه، آن را روش و سیره‌ای می‌داند که فرد به آن عادت و بر پایه آن رشد می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۵۳/۱۴).

۱. «کَلَّ أَحَدٌ يَفْعَلُ عَلِيٌّ وَفَقَّ مَا شَاكَلَ جَوْهَرَ نَفْسِهِ وَمَقْتَضَى رُوحَهُ».

۲. «سجیه».

۳. «ناحیته، طریقته، جدیلته، منهجه».

۴. «علی دینه و طریقته» یا «مذهبه و طریقته».

۵. «علی عادت».

• شایستگی؛ آنچه فرد شایسته آن است^۱ (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۳/۴۹۴؛ جرجانی، ۱۴۳۰: ۲/۲۲۵).

• اشتباه^۲ (ثعلبی بدون استناد از قول دیگران آورده است، ۱۴۲۲: ۶/۱۲۹؛ ابوالفتوح رازی نیز از قول دیگرانی که معلوم نمی‌کند چه کسانی هستند، شاکله را از «اشکال» به معنای اشتباه می‌آورد، ۱۴۰۸: ۱۲/۲۸۲).

• علامت (سیدشریف رضی از قول دیگران آورده است و در توضیح آن می‌گوید: یعنی هرانسانی بر اساس نشانه‌ای که برای هدایت و راهنمایی‌اش نصب شده است، عمل می‌کند، ۱۴۰۶: ۲۰۴).

• علم و معرفت (شیبانی از قول صاحب النظم این معنا را آورده است، ۱۴۱۹: ۳/۲۵۴).

• آنچه درست و حق می‌نماید^۳ (از قول جبائی در برخی از تفاسیر نقل شده است: ابومسلم اصفهانی، ۲۰۰۹: ۳/۳۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۷۳؛ شبر، ۱۴۰۷: ۴/۴۴).

- جمع بین دو دیدگاه علی سبیل التفصیل. انسان بر حسب آنچه اخلاق او را شکل می‌دهد، عمل می‌کند و یا انسان بر حسب جوهر خود عمل می‌کند (آلوسی^۴، ۱۴۱۵: ۸/۱۴۳) راه و روش یا جوهر روح (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳/۲۶۵).

- سایر

• مقدار قوت و طاقت (از قول دیگران که نام نمی‌برد: کاشفی، ۱۳۷۹: ۶۲۸).

• مشیت الهی^۵ (سلمی، ۱۳۶۹: ۱۱۹).

- جمع دو دیدگاه علی سبیل العطف. دیدگاه مختار این نوشتار است که در ادامه توضیح می‌دهیم.

شاکله استعداد نفسیرهای بسیار گوناگون، اعم از روا و ناروا دارد و اگر نظریه‌های ناهشیار در روان‌شناسی، اعم از ناهشیار شخصی فروید، ناهشیار جمعی یونگ، ناهشیار

۱. «علی ما یلیق به / ما یشاکله ویلیق به من الخصال التي خلقها الله میسرة له».

۲. وقیل: «علی اشتباهه من حولهم، أشکل علی الأمری اشتبه».

۳. «علی ما هو أشکل بالصواب وأولی بالحق عنده».

۴. «کل إنسان یعمل علی ما یشاکل أخلاقه التي ألفها أو علی حسب جوهر نفسه».

۵. قال ابن عطاء: «علی ما قسم الله فی سزه».

متعالی فرانکل و انگارهٔ قراملکی هم لحاظ شود، ممکن است کسی آن‌ها را هم مبنای تفسیر شاکله قرار دهد. یکی از رویکردها در تفسیر اقرب به آموزهٔ قرآنی، بررسی هویت واسطه‌ای آن است.

دیدگاه‌های جامع یا غیر جامع

آیا دیدگاه‌های مفسران غیر قابل جمع و ناسازند؟ پاسخ حصرگرایانه به این پرسش مثبت است. عده‌ای در سازگاری برخی از دیدگاه‌ها سخن گفته‌اند. به عنوان نمونه، علامه مجلسی دو تفسیر شاکله به نیت در تفاسیر مأثور شیعی و تفسیر شاکله به خلق و ملکه در تفاسیر فلسفی را قابل جمع می‌داند.

ایشان در کتاب *عین‌الحیات* ذیل یک روایت تفسیری^۱، توضیح می‌دهد که منظور از نیت در روایت‌ها نیت لفظی نیست، بلکه نیت درونی است و نیت خالصانه، امری است که از حالت‌های روانی و خُلُقِ پایدار فرد نشئت می‌گیرد (مجلسی، ۱۳۸۲: ۴۳). در واقع از نظری هر دو، مفاهیم جداگانه‌ای هستند، اما به لحاظ مصداق هر جا نیت است، ملکه است و هر جا ملکه است، نیت است.

گاهی جمع‌آرای مفسران با تحویلی‌نگری همراه می‌شود. مثلاً کسی معنای شاکله را آگاهی و امور مربوط به قلمرو ذهن گرفته است و به نحوی دیگر موارد گفته شده (نیت، ناحیه، علم و معرفت، علی ما هو اشکل بالصواب و اولی بالحق، ملکات) را به آن تحویل

۱. «عنه علیه فی قوله تعالی: ﴿لِيَتْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾. حضرت فرمود: مراد این نیست که هر که بیشتر عمل کرده باشد، بلکه مراد این است که: هر کس عملش درست‌تر و به صواب و حق نزدیک‌تر باشد. و عمل صواب آن است که با خوف الهی و نیت صادق و درست باشد. و باقی ماندن بربیک عمل، و سعی نمودن که از برای خدا خالص گردد، بهتر است از اصل عمل. و عمل خالص آن است که نخواهی کسی غیر خدا را بر آن کار مدح و ستایش نماید. و نیت بهتر است از عمل، بلکه همین نیت، عمل است و بس. بعد از این فرمودند: ﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ﴾. یعنی: بگو (ای محمد) که هر کس کار می‌کند بر شاکلهٔ نیت است».

برده است (بنگرید به: حسینی، ۱۳۹۹: شماره ۱۷). در این مدل شاکله از محتوا تهی می‌شود و همهٔ موارد مصداق آن می‌شوند (بنگرید به: مقاله «سیر مفهوم ذهن و علم در ریشه «شاکله» و کارکرد آن در رفتار»).

یکی از شیوه‌های منطقی جمع بین دیدگاه‌ها جستجواز معنای واحد مشترک و فراگیر است که بتواند دیدگاه‌های گوناگون را به مثابهٔ مفهوم جنس شامل گردد. این جستجو با تحلیل معنای لغوی و نسبت شاکله با فرد و رفتار فرد، در پرتو معنای لغوی، میسور است.

نسبت شاکله با فرد

هویت واسطه‌ای شاکله اقتضا می‌کند تا پیوند آن با فرد تحلیل شود. آیه در بیان شاکله مندی عمل به فاعل عمل تصریح نکرده و «کلّ» را منقطع بیان فرموده است. عده‌ای معتقدند که مضاف الیه محذوف «کلّ» فراتر از انسان است (بنگرید به: کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۰۰/۵؛ همو، ۱۴۲۳: ۶۶/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴۳/۸). در هر تفسیری که بیان شود قدر متیقن دامنهٔ «کل» انسان را شامل می‌شود، ضمیر هاء در «شاکلته» به تک تک افراد (انسان‌ها) برمی‌گردد، یعنی این‌طور نیست که انسانیت یک شاکله باشد، بلکه فرد فرد انسان‌ها شاکله دارند؛ پس شاکله چیزی است که در نسبت با تک تک آدم‌ها تعریف می‌شود. وقتی می‌گوییم شاکله نسبتی با انسان دارد، این نسبت را به چند صورت می‌توان تفسیر کرد:

۱) جوهر و حقیقت انسان. آن‌گونه که برخی گمان کردند و با عبارت «صورت نوعیهٔ نفس» بیان نمودند (بنگرید به: حاج علی لالانی، ۱۳۹۱: شماره ۲۸). اگر شاکله را همان حقیقت و جوهر انسان بدانیم در واقع قائل به جبر شدیم؛ زیرا شاکلهٔ هر انسانی همان جوهر و حقیقتی است که بر آن آفریده شده و اعمال او در طول زندگی از شاکله نشئت می‌گیرد و هدایت و ضلالت وی نیز بر طبق اعمال و رفتار برخاسته از شاکله است.

۲) صفت عارض بر نفس. این نسبت را کسانی که ملکه و عادت را در تفسیر شاکله آورده‌اند، قائل‌اند (بنگرید به: ماوردی، بی‌تا: ۲۶۹/۳؛ نیشابوری، ۱۴۱۰: ۲۰/۲).

سبزواری، ۱۴۱۹: ۲۹۵). بین ملکه و عادت در سنت فلسفی مشائیان تمایزی ننهاده‌اند، اما ملاصدرا آن دو را تمایز می‌دهد (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۱۷/۳). اگر شاکله را صفات عارض بر نفس بدانیم؛ در این صورت شاکله نیز دارایی و مایملک انسان می‌شود. سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا این هیئت عارض، اکتسابی است و یا با آن متولد شده‌ایم؟ اگر فرض کنیم که با آن متولد شده‌ایم که اشکال حالت اول برای این انتخاب هم مطرح می‌شود و اگر آن را اکتسابی بدانیم، موارد اکتسابی نفس ما یک مورد نیست و بین کاربرد واژه به صورت مفرد در آیه قرآن و موارد اکتسابی از جمله ملکات، تطبیق وجود ندارد، زیرا در قرآن تعیین لفظ شاکله به صورت مفرد است و نه به صورت جمع (شواکل). بنابراین احتمال این پیوند نیز منتفی می‌شود.

۳) بر مبنای ملاصدرا ملکه برخلاف عادت، جوهری انسان (نه جوهر او) است و تفسیر شاکله به ملکه در اصطلاح وی امری ذاتی و جوهری نفس است. فخر رازی نیز قول به ذاتی بودن را ارجح می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۱/۲۱).

۴) صفت عارض بر بدن. فارابی صفات عارض بر بدن را هیئت‌های طبیعی نام می‌نهد. برخی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده شاکله را خصلت‌های ژنتیکی و فیزیولوژیکی دانسته‌اند (بنگرید به: ایزدی، ۱۳۹۷: شماره ۳۹).

اگر شاکله را صفات عارض بر بدن بدانیم که شامل هیئت‌های فیزیولوژیکی انسان است، در واقع انسان را به یک بُعد مادی فروکاسته‌ایم و از آنجا که قرآن در این آیه خاستگاه رفتار و عمل انسان را بیان می‌کند نگاه مادی صرف پاسخگوی این پیوند نیست.

۵) حاصل برآیندی است از تعامل نفس و بدن. احتمال «برآیندی از تعامل نفس و بدن» انتخاب مرجح این نوشتار است. شاکله امری درونی محسوب می‌شود. امر درونی لزوماً امر ذهنی نیست، بلکه اعم از امور ذهنی است. در بررسی تفسیری، مواردی که مفسران ذکر نمودند غالباً به عنوان صفتی عارض بر نفس به شمار می‌آید (خلق و خو، عادت، ملکات اخلاقی، علم و معرفت) و برخی نیز مواردی را مطرح کردند که نه جوهری و نه عارض‌اند، بلکه امری سوم محسوب می‌شوند که با درونی بودن شاکله

منافات دارد. به عنوان نمونه مواردی چون: مذهب و دین، راه و روش، علامت و راهنما.

شاکله نه حقیقت انسان و نه مایملک انسان است، بلکه بخشی از بودن، هویت، ذات و حقیقت اوست. به عبارت دیگر، حمل شاکله بر انسان حمل اشتقاقی نیست، بلکه حمل ذو هو است. انسان بودن انسان به دست و پای داشتن نیست، بلکه این موارد دارایی‌های انسان اند، اما شاکله جزئی از ذات و حقیقت انسان است و انسان بودن انسان به آن است. شاکله برآیندی از حالت‌ها و کیفیت‌های طبیعی انسان است که به نحو وراثتی به او می‌رسد و هیئت‌هایی که از محیط بر انسان عارض می‌شود و هیئت‌هایی که به نحو اکتسابی کسب می‌کند. این برآیند یک امری است که چگونگی بودن انسان را شکل می‌دهد، به همین دلیل شاکله است. و این منافاتی ندارد که شاکله امری باشد مرکب و نه بسیط و مؤلفه‌های ژنتیکی، محیطی و اکتسابی داشته باشد و ذاتی انسان هم باشد.

همان‌طور که در بحث لغوی اشاره شد، ریشه شاکله «شکل» به معنای مثل و مانند و یا «شکل» به معنای هیئت، فرم و شکل است. شاکله جوهری فرد است و نه جوهر او. جوهری فرد در گفتمان ابن سینا مقوم ماهیت است، اما در گفتمان ملاصدرا می‌تواند به معنای نحوه وجود انسان باشد. به عبارت دیگر، نحوه بودن فرد و فردیت فرد به آن است. و باز طبق نظر ملاصدرا انسان لازم نیست در بدو تولد با این جوهر باشد، بلکه به وسیله هیئت‌های طبیعی و اکتسابی شکل می‌گیرد و چون شکل می‌گیرد با ریشه دیگر واژه شاکله نیز پیوند معنایی دارد.

نسبت شاکله با رفتار فرد

شاکله چیزی است که رفتار بر پایه و طبق آن صادر می‌شود. بنابراین نسبتی با فعل نیز دارد. این نسبت و پیوند به چند حالت قابل فرض است:

- (۱) علت و معلولی. آیا رفتارهای انسان‌ها معلول علت مندی شاکله هستند؟
- (۲) مبدأ صدور فعل. آیا شاکله همانند قوه، یکی از مبادی صدور فعل است؟ همان‌گونه که فیلسوفان به عنوان مبدأ تأثیر بیان کردند (بنگرید به: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱:

۱۷/۳). تفسیر شاکله به ناحیه در واقع تفسیر شاکله به چیزی است که از آن برگرفته شده است؛ زیرا شاکله منابع مختلف دارد، از جمله ژنتیک یا محیطی که من در آن بزرگ می‌شوم.

۳) مدل و الگویی. آیا شاکله الگویی است که فعل برطبق و فوق آن الگوست؟ آیا نسبت شاکله با فعل همچون نسبت نقشه فرس است با فرش؟

۴) لازم و ملزومی. آیا فعل برپایه شاکله استوار می‌شود؟ آیا لازمه و شرط تحقق پیدایش فعل، شاکله است؟ (منظور زمینه‌های پیدایش است و نه مبدأ فاعلی فعل). در تفاسیری که شاکله به طریق، مذهب و دین تبیین شده است، در واقع خود شاکله معنا نشده، بلکه شاکله به لازمه‌اش تفسیر شده است؛ یعنی لازمه شاکله این رویکرد است.

انتخاب نوشتار حاضر این است که رفتار بر وفق شاکله است؛ یعنی شاکله علت الگویی دارد نه علت فاعلی. به عبارت دیگر، شاکله مدل، نقشه و الگوست. شاکله علت رفتار نیست، بلکه همچون دیگر سطوح بالاتراز فعل، توصیف‌کننده فعل است. به همین دلیل قرآن حرف «علی» را آورده است و الا اگر علت و سبب فعل بود با حرف «باء» می‌آمد. قرآن سطح بالاتراز رفتاری را که بتواند همه رفتار ما را وصف کند و متفاوت از مفاهیم فلسفه یونانی و روان‌شناسی جدید است، با لفظ شاکله مطرح کرده است. سطوح بالاتراز رفتار را می‌توان پلکانی، سلسله مراتبی و پوسته‌پیزی طرح کرد. رفتار تابع ملکات خلقی است، آن تابع نیت و نیت تابع شاکله است. از این طریق اغلب نظرات مفسران را از حیث اینکه سطوح بالاتراز رفتار هستند، شامل می‌شود.

دیدگاه مختار درباره چستی شاکله

شاکله از «شکل» است و همان‌گونه که راغب در تمایز نظایران بیان می‌کند آن در تشابه در هیئت و صورت و نه در جنس و کیفیت به کار می‌رود. مشابهت و هم‌شکلی به ظاهر، محمول دو موضعی است: (الف) شبیه به (ب) است. اما در کاربرد قرآنی شاکله محمول سه موضعی در میان است: شاکله امری است که هویت واسطه‌ای بین فرد و رفتار

دارد. آن از طرفی شکل دهنده به فرد است و از طرف دیگر شکل دهنده به رفتار است. شاکله مجموع برآیندی از جوهره انسان و دارایی‌های انسان (اعم از حالات و ملکات اکتسابی و حالات و صفات ژنتیکی و هرآنچه از محیط به دست می‌آید) است که من فردی را تشکیل می‌دهد. بنابراین انسان دارای شاکله نیست، بلکه شاکله بخشی از حقیقت اوست. هریک از هیئت‌هایی که بیان شد در شکل دهی به شاکله سهم خاصی دارند و در واقع عواملی هستند با ضریب تأثیرهای مختلف. این تحلیل از شاکله به معنای لغوی آن نیز نزدیک است؛ زیرا همه مواردی که مطرح شد، شاکله را شکل می‌دهند؛ در واقع شاکله چیزی است که شکل و فرم می‌گیرد. رابطه شاکله با فرد، جوهر او به معنای حقیقت نوعی او نیست، بلکه جوهری اوست، به این معنا که بخشی از حقیقت اوست. به عبارت دیگر هویت او را شکل می‌دهد، اما آن همه حقیقت او نیست. رابطه شاکله با فعل انسان، پیوند الگویی است. در پیوند الگویی شاکله شکل دهنده فعل است. فعل بر وفق شاکله است. تعبیر «یعمل» به جای «عمل» بر وفق شاکله بودن را هم در فرایند حصول عمل شامل روش و ابزار و هم در حاصل عمل نشان می‌دهد.

نتایج

۱. آیه شاکله، سطح بالاتر از رفتار را بیان می‌کند. شاکله هویت واسطه‌ای دارد و مقوم این هویت واسطه‌ای، شکل دادن است.
۲. شاکله هراسانی بخشی از حقیقت و هویت اوست که انسان می‌تواند آن را تغییر دهد. تغییر دادن شاکله؛ یعنی تغییر دادن خود.
۳. رفتار انسان بر وفق شاکله است. ارتباط شاکله و رفتار انسان همچون ارتباط نقشه فرش و فرش است. انسان با هرگونه تحول و تغییری در شاکله خود، می‌تواند رفتار خود را تغییر دهد.
۴. شاکله برآیندی از هیئت‌های اکتسابی و اپی ژنتیکی است که هویت فرد را شکل می‌دهد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، *التحریر والتنویر، مؤسسة التاریخ العربی*، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن عباس، *التنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۵. ابن عربی، محمد بن علی، *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تفسیر غریب القرآن*، شرح ابراهیم محمد رمضان، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۸. ابو عبیده، معمر بن مثنی، *مجاز القرآن*، تحقیق فؤاد سزگین، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۳۸۱ق.
۹. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابومسلم اصفهانی، محمد بن بحر، *موسوعة تفاسیر المعتزله (تفسیر ابی بکر الأصبم - تفسیر ابی علی الجبائی - تفسیر ابی القاسم الکعبی البلخی)*، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۲۰۰۹م.
۱۱. احسانی نیک، ملیحه، «شاكلة»، *دانشنامه جهان اسلام*، ۱۳۹۸ش.
۱۲. احمد احمد برزه و محمد بن طرهونی و حکمت بشیر یاسین، *مرویات امام احمد بن حنبل فی التفسیر*، مکتبه المؤید، ۱۴۱۴ق.
۱۳. اخوت، احمد رضا، *شاكلة نفس*، قرآن و اهل بیت نبوت علیه السلام، تهران، ۱۳۹۴ش.
۱۴. اخوت، احمد رضا، *شاكلة، معنا و فرایند*، قرآن و اهل بیت نبوت علیه السلام، تهران، ۱۳۹۴ش.
۱۵. ایزدی، محسن، «حل مسئله شکاف بین علم و عمل اخلاقی از طریق آموزه قرآنی شاكلة»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۷ش.
۱۶. ایزدی، محسن، «ارزیابی خوب یا بد بودن سرشت و شاكلة انسان بر اساس حکمت متعالیه»، *اندیشه نوین دینی*، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۵ش.
۱۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیه، قم، ۱۴۱۵ق.

۱۸. بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، تحقیق عبدالرزاق مهدی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۰. تیمی، یحیی بن سلام، *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۵ق.
۲۱. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و عبد الفتاح ابوسنه و علی محمد معوض، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۲. ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف والبیان*، تحقیق ابی محمد ابن عاشور، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۲۳. ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، برهان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۸ق.
۲۴. جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، تصحیح محمد ادیب شکور، تحقیق طلعت صلاح فرحات، دار الفکر، عمان، ۱۴۳۰ق.
۲۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۲۶. حاج علی لالانی، عبدالله، کریم عبدالملکی، سلمان قاسم نیا و مهدی جلالوند، «هندسه تعامل ادراکات و نفس در ساختار و عملکرد شاکله»، *انسان پژوهی دینی*، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ش.
۲۷. حجازی، سیدرضا، «تبیین رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم شاکله دینی»، *توسعه کارآفرینی*، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱ش.
۲۸. حسینی، اعظم السادات؛ *روند شکل‌گیری برداشت‌های مختلف از آیه شاکله*، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۹ش.
۲۹. حسینی، اعظم السادات، سهیلا پیروزفرو و سید کاظم طباطبایی پور، «سیر مفهوم ذهن و علم در ریشه «شاکله» و کاربرد آن در رفتار»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ش.
۳۰. حکمت، نصرالله، *شاکله‌شناسی*، انتشارات الهام، تهران، ۱۳۹۹ش.
۳۱. حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح هاشم رسولی، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۳۲. درزی، قاسم، احد فرامرزر قراملکی و مهین ناز میردهقان، «تأملی بر الگوهای تأثیرگذار زبان‌شناسی شناختی در مطالعات میان‌رشته‌ای با تأکید بر واژه قرآنی شاکله»، *مطالعات*

- قرآن و فرهنگ اسلامی، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶ ش.
۳۳. درزی، قاسم و مرتضی سلمان نژاد، «فرایندشناسی مطالعات میان رشته‌ای در پژوهش‌های قرآنی؛ نمونه موردی: واژه «شاکله» در آیه ۸۴ سوره اسراء»، *علوم قرآن و حدیث*، شماره ۱۰۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸ ش.
۳۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داودی، دار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. رجایی، حیدر، «تأثیر شاکله و شخصیت باطنی بر رفتار و گفتار انسان از دیدگاه قرآن و روایات»، *گفت‌وگو*، سال یازدهم، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۳۶. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، تحقیق احمد فرید مزیدی، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۲۰۰۸ م.
۳۷. زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. سبزواری، محمد، *ارشاد الادهان الی تفسیر القرآن*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۳۹. سبزواری، محمد، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۴۰. سلمان ماهینی، سکینه و احد فرامرزقراملکی، «دلالت‌های تربیتی مفهوم قرآنی «شاکله» بر اساس رهیافت علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۴۱. سلمی، محمد بن حسین، *حقائق التفسیر*، تحقیق نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۴۲. سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*، تحقیق عمر عمروی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۴۳. سمنون، مرتضی، «شاکله نظریه محوری اسلام در خصوص شخصیت»، *آینه معرفت*، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۶ ش.
۴۴. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۳۹۴ ق.
۴۵. شبر، عبدالله، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین*، با مقدمه محمد بحر العلوم، شرکتة مکتبة الالفین، کویت، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، تصحیح محمد

- عبدالغنی حسن، دارالأضواء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۴۷. شیبانی، محمد بن حسن، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، تحقیق حسین درگاهی، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹ق.
۴۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۰ش.
۴۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۵۰. ضحاک، *تفسیر الضحاک*، جمع و دراسه و تحقیق محمد شکرى احمد الزاویتی، دار السلام، ۱۴۱۹ق.
۵۱. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۵۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*، دار الکتب الثقافی، اردن - اربد، ۲۰۰۸م.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل الله یدزى طباطبائی و هاشم رسولی، ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۵۴. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، با مقدمه آقابزرگ تهرانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، مکتبه المرترضویه، تهران، ۱۳۷۵ش.
۵۷. عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، دار الآفاق الجدیده، بیروت، ۱۹۸۰م.
۵۸. عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر (تفسیر العیاشی)*، تحقیق هاشم رسولی، مکتبه العلمیة الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۰ق.
۵۹. فخرزازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۶۰. فرامرز قراملکی، احد، «تجلی خدای گفتگو در کاربرد قرآنی «قل»»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
۶۱. فرامرز قراملکی، احد، «نقش مواجهه مسئله محور با آیه شاکله؛ رویکرد روش شناختی»، *روش شناسی مطالعات دینی*، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
۶۲. فراء، یحیی بن زیاد، *معانی القرآن*، تحقیق محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، هیئة المصریة العامة للکتاب، قاهره، ۱۹۸۰م.

۶۳. فراهیدی، احمد بن خلیل، *العین*، تحقیق مهدی مخزومی، مؤسسه دارالهیجره، قم، بی تا.
۶۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، مقدمه و تصحیح حسین اعلمی، مکتبه الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۶۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۶۶. قبادی، فرشته و قاسم درزی، «سیر تحول معنایی انگاره «شاکله» در گستره تفاسیر، دوره پیدایش و کلاسیک»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷ش.
۶۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ش.
۶۸. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*، تحقیق ابراهیم بسیونی، هیئته المصریه العامه للکتاب، قاهره، چاپ سوم، ۲۰۰۰م.
۶۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ش.
۷۰. قزونی، اسماعیل بن محمد، *حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیه ابن التمجید*، تصحیح عبدالله محمود عمر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۷۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۳۶ش.
۷۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، *زبدۃ التفاسیر*، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، ۱۴۲۳ق.
۷۳. کاشفی، حسین بن علی، *تفسیر حسینی (مواهب علیه)*، به اهتمام احمد بن عبدالرحیم شاه ولی الله، کتاب فروشی نور، سراوان، ۱۳۷۹ش.
۷۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تحقیق محمد باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵ش.
۷۵. ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)*، تحقیق مجدی باسلوم، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۲۶ق.
۷۶. ماوردی، علی بن محمد، *النکت والعیون تفسیر الماوردی*، مراجعه و تعلیق سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۷۷. مجاهد بن جبر، *تفسیر الامام مجاهد بن جبر*، تحقیق محمد عبدالسلام ابوالنیل، دارالفکر الاسلامی الحدیثه، ۱۴۱۰ق.
۷۸. مجلسی، محمد باقر، *عین الحیات*، تصحیح سید علی محمد رفیعی، قدیانی، تهران، ۱۳۸۲ش.
۷۹. محمد علی نژاد عمران، روح الله و مینا شمخی، «مقایسه تحلیلی شخصیت از دیدگاه روان شناسی با مفهوم شاکله در قرآن»، *فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، شماره ۴۳، پاییز

- ۱۳۹۹ ش.
۸۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۸۱. مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۸۲. نحاس، احمد بن محمد، *اعراب القرآن*، حاشیه نویسنده: عبدالمنعم خلیل ابراهیم، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۸۳. نهاوندی، محمد، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، مؤسسه البعثه، قم، ۱۳۸۶ ش.
۸۴. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، *وضح البرهان فی مشکلات القرآن*، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۸۵. واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۸۶. واعظ جوادی آملی، اسماعیل، «جسم سوم یا بدن پنجم بدن عملی موضوع جزادر معاد»، *پژوهش های فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۴ ش.
۸۷. هواری، هود بن محکم، *تفسیر کتاب الله العزیز*، دار البصائر، [بی جا]، ۱۴۲۶ ق.
۸۸. یزیدی، عبدالله بن یحیی، *غریب القرآن و تفسیره*، تحقیق محمد سلیم الحاج، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۰۵ ق.